

سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵

وطن امروز | شماره ۴۶۶۰

صفحه آخر



پیامبر اعظم (ع)

داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹

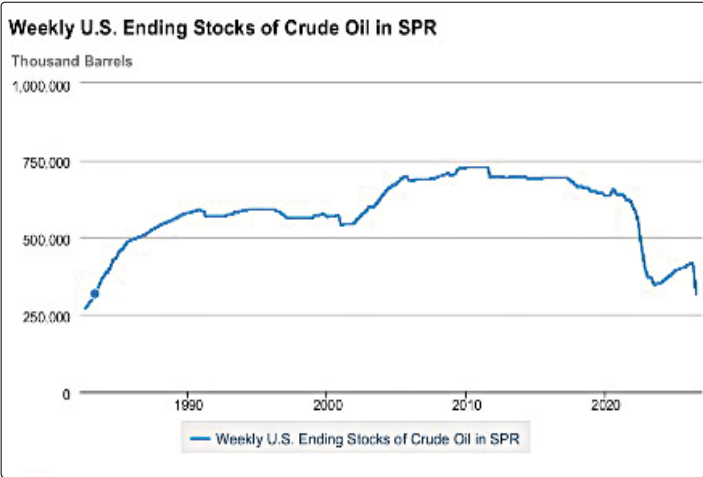
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ | تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ | نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷

پيام‌رسان: info@vatanemrooz.ir | پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir

چاپ: موسسه جام‌چم پرتز بر نا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کاهش مستمر ذخایر راهبردی نفت آمریکا تداوم آسیب‌پذیری انرژی واشنگتن

فشار نفتی هرمز بر ترامپ



	Week 1		Week 2		Week 3		Week 4		Week 5	
Year/Week	End Date	Value	End Date	Value	End Date	Value	End Date	Value	End Date	Value
2025 Jun	07/04	410,000	07/11	412,700	07/18	412,300	07/25	412,741		
2025 Aug	08/01	412,976	08/08	413,200	08/15	413,420	08/22	414,201	08/29	414,710
2025 Sep	09/05	413,224	09/12	413,728	09/19	413,898	09/26	414,700		
2025 Oct	10/03	416,980	10/10	417,740	10/17	418,344	10/24	419,097	10/31	419,853
2025 Nov	11/07	419,290	11/14	419,920	11/21	417,404	11/28	417,674		
2025 Dec	12/05	411,932	12/12	412,171	12/19	412,971	12/26	413,179		
2026 Jan	01/02	417,464	01/09	413,678	01/16	414,484	01/23	414,999	01/30	415,273
2026 Feb	02/06	415,212	02/13	413,441	02/20	413,441	02/27	413,441		
2026 Mar	03/06	413,442	03/13	413,442	03/20	413,442	03/27	413,004		
2026 Apr	04/03	413,128	04/10	419,181	04/17	418,040	04/24	397,194		
2026 May	05/01	312,780	05/08	384,090	05/15	374,170	05/22	364,112	05/29	381,119
2026 Jun	06/05	349,192	06/12	340,219	06/19	337,191	06/26	325,685		
2026 Jul	07/03	319,490								

ذخایر راهبردی نفت ایالات متحده (Strategic Petroleum Reserve) یا SPR یکی از مهم‌ترین ابزارهای امنیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی آمریکا به شمار می‌رود. این ذخایر که پس از شوک نفتی دهه ۱۹۷۰ میلادی ایجاد شدند، وظیفه دارند در شرایط بحران، اختلال در عرضه جهانی نفت یا جهش شدید قیمت‌ها، از اقتصاد آمریکا در برابر شوک‌های انرژی محافظت کنند. اهمیت این ذخایر صرفاً به تأمین فیزیکی نفت محدود نیست، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت انتظارات بازار، کنترل تورم، ثبات قیمت سوخت و حتی حفظ مشروعیت سیاسی دولت‌های مستقر در آمریکا دارد. از این منظر، هر گونه کاهش مستمر در حجم ذخایر راهبردی، صرف‌نظر از وضعیت نظامی یا دیپلماتیک، به معنای کاهش ظرفیت راهبردی ایالات متحده برای مدیریت بحران‌های آینده است.

در ماه‌های اخیر همزمان با برقراری آتش‌بس و آغاز روند تفاهم میان ایران و آمریکا، انتظار می‌رفت فشار بر بازار انرژی کاهش یافته و فرصت مناسبی برای بازسازی ذخایر راهبردی آمریکا فراهم شود اما حکمرانی و اقتدار ایران بر تنگه هرمز و عطش و نااطمینانی در بازار نفت باعث استمرار کاهش موجودی این ذخایر راهبردی برای آمریکایی‌ها شده است.

این وضعیت بیانگر آن است که حتی در شرایط کاهش نسبی تنش‌ها نیز واشنگتن ناچار است برای تنظیم بازار و پاسخ به نیازهای داخلی، بخشی از نفت مورد نیاز را از ذخایر راهبردی خود تأمین کند، روندی که در صورت تداوم، حاشیه امنیت انرژی آمریکا را به شکل محسوسی کاهش خواهد داد و اهرم قدرت بزرگ در دستان پر توان جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

جایگاه راهبردی ذخایر نفت آمریکا در امنیت ملی

ذخایر راهبردی نفت آمریکا صرفاً یک انبار بزرگ نفت خام نیست، بلکه یکی از ارکان بازدارندگی اقتصادی این کشور محسوب می‌شود. فلسفه وجودی این ذخایر آن است که در صورت وقوع جنگ، تحریم، حمله به زیرساخت‌های انرژی، بسته شدن مسیرهای کشتیرانی یا وقوع شوک‌های عرضه، دولت آمریکا بتواند بدون ایجاد بحران اقتصادی، بازار داخلی را برای چند ماه تغذیه کند.

بازار جهانی نفت بیش از آنکه تابع عرضه و تقاضای روز باشد، تحت تأثیر انتظارات فعالان اقتصادی قرار دارد. هر چه ذخایر راهبردی آمریکا بزرگ‌تر باشد، معامله‌گران اطمینان بیشتری نسبت به توان دولت آمریکا در مقابله با بحران‌های احتمالی خواهند داشت. برعکس، کاهش این ذخایر، سیگنال افزایش آسیب‌پذیری واشنگتن را به بازارهای جهانی ارسال می‌کند و می‌تواند زمینه افزایش نوسانات قیمتی را فراهم آورد.

به همین دلیل دولت‌های مختلف آمریکا معمولاً تلاش کرده‌اند در دوره‌های آرامش بازار، ذخایر راهبردی را مجدداً تکمیل کنند تا در بحران‌های بعدی با محدودیت مواجه نشوند. استمرار کاهش موجودی این ذخایر حتی پس از کاهش نسبی تنش‌های منطقه‌ای، از منظر راهبردی، نشانه‌ای از دشوار شدن مدیریت بازار انرژی برای آمریکا تلقی می‌شود.

نقش ذخایر راهبردی در کنترل انتظارات تورمی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای ذخایر راهبردی نفت، کنترل انتظارات تورمی در اقتصاد آمریکا است. اقتصاد آمریکا به دلیل وابستگی گسترده حمل‌ونقل، صنایع و خدمات به فرآورده‌های نفتی، نسبت به افزایش قیمت نفت حساسیت بالایی دارد. افزایش قیمت نفت به‌سرعت خود را در قیمت بنزین، گازوئیل، حمل‌ونقل، هزینه تولید کالاها و نهایتاً شاخص قیمت مصرف‌کننده نشان می‌دهد.

اما اهمیت ذخایر راهبردی تنها به عرضه فیزیکی نفت محدود نمی‌شود. صرف اطلاع بازار از اینکه دولت آمریکا در صورت

افزایش قیمت‌ها قادر به تزریق میلیون‌ها بشکه نفت به بازار است، خود عاملی بازدارنده در برابر شکل‌گیری انتظارات تورمی محسوب می‌شود. بنابراین کاهش مداوم حجم ذخایر راهبردی، اعتبار این ابزار سیاسی را نیز تضعیف می‌کند.

در چنین شرایطی فعالان بازار احتمال بیشتری برای تداوم افزایش قیمت انرژی در آینده قائل می‌شوند. همین مساله می‌تواند انتظارات تورمی را تقویت کرده و هزینه کنترل تورم را برای سیاست‌گذاران پولی و مالی آمریکا افزایش دهد. به بیان دیگر، کاهش ذخایر راهبردی تنها یک مساله انرژی نیست، بلکه مستقیماً بر ثبات اقتصاد کلان آمریکا نیز اثر گذار است.

■ **قیمت نفت، قیمت سوخت و پیامدهای سیاسی آن در آمریکا**
در ساختار سیاسی آمریکا، قیمت بنزین و گازوئیل از

مهم‌ترین شاخص‌هایی است که افکار عمومی عملکرد دولت را با آن ارزیابی می‌کند. برخلاف بسیاری از کشورها که قیمت سوخت با پارانه کنترل می‌شود، شهروندان آمریکایی تغییرات قیمت را به‌صورت مستقیم در زندگی روزمره خود احساس می‌کنند.

هر گونه افزایش قیمت بنزین به‌سرعت هزینه رفت‌وآمد، حمل‌ونقل کالا، خدمات شهری و هزینه زندگی خانوارها را افزایش می‌دهد. همین موضوع معمولاً به کاهش محبوبیت دولت مستقر منجر می‌شود. تجربه دولت‌های مختلف آمریکا نشان داده است جهش قیمت سوخت، حتی در صورت رشد منسلب سایر شاخص‌های اقتصادی، می‌تواند نارضایتی اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای ایجاد کند.

از این منظر، دولت آمریکا همواره تلاش می‌کند با استفاده

هیچ هیچ هیچ

مانع بازگشایی تنگه هرمز و انسداد مجدد آن شده است؟ آنچه بیش از همه، رفتار شتاب‌زده و شرارت‌های دولت ترامپ علیه ایران بویژه در تنگه هرمز را به‌شدت زیر سوال می‌برد، این است که ترامپ با این اقدامات، دست‌آوردی نیز نخواهد داشت. قطعاً ترامپ بهتر از همه می‌داند این درگیری‌ها تأثیر چندانی بر تسلط ایران بر تردد در تنگه هرمز ندارد و بازگشایی هرمز صرفاً با تصمیم ایران محقق می‌شود.

مرور این تحولات و همین‌طور تامل درباره ماهیت، آثار و تبعات آن، یک واقعیت مهم را نشان می‌دهد؛ اینکه ترامپ اکنون کاملاً سردرگم است و از آن مهم‌تر، کاملاً پیداست در اطراف ترامپ، طیف‌ها و افرادی حضور دارند که درباره نحوه مواجهه با ایران و تصمیم‌گیری درباره ایران، اختلاف نظر شدید دارند. اکنون این واقعیت آشکار شده که تصمیمات و رفتارهای ترامپ در قبال ایران، وابسته به این است که هر کدام از این افراد و طیف‌ها، در هر مقطع زمانی تا چه اندازه بر ترامپ موثرند.

سیاست‌های تکراری، اقدامات تکراری و اشتباهات تکراری باعث شده ترامپ مرتب در یک دور باطل حرکت کند. این واقعیت نشان‌دهنده فقدان یک راهبرد مشخص در دولت آمریکا و نزد شخص ترامپ در قبال ایران است. تفاهمنامه خاتمه جنگ میان ایران و آمریکا اکنون صرفاً یک کاغذباطله است. اینکه در نهایت طرفین مرگ این تفاهمنامه را اعلام کنند یا در نهایت ترامپ متقاعد شود مجدداً به متن تعهدات تفاهمنامه بازگردد و نسبت به آن پایبند بماند، وابسته به این است که کدام‌یک از طیف‌های نزدیک به ترامپ بتوانند نظر او را به خود جلب کنند. آیا او مجدداً به اقدام شکست‌خورده جنگ علیه ایران بازمی‌گردد

از ابزارهایی مانند آزادسازی نفت از ذخایر راهبردی، از افزایش شدید قیمت سوخت جلوگیری کند. کاهش ظرفیت این ذخایر به معنای محدود شدن یکی از مهم‌ترین ابزارهای دولت برای مدیریت افکار عمومی و کاهش فشارهای سیاسی ناشی از افزایش هزینه زندگی است.

جایگاه قیمت نفت در راهبرد اقتصادی ترامپ

در دوره جدید ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، کاهش هزینه انرژی به یکی از پایه‌های اصلی سیاست اقتصادی کاخ سفید تبدیل شده است. بخش مهمی از راهبرد اقتصادی ترامپ بر توسعه تولید داخلی، بازگرداندن صنایع به آمریکا و اعمال

جنگ تعرفه‌ای اگر چه می‌تواند از برخی صنایع داخلی حمایت کند اما همزمان موجب افزایش هزینه تولید و افزایش

یا اینکه پس از یک درگیری شکست‌خورده با ایران، نهایتاً تن به مدیریت ایران بر تردد در تنگه هرمز می‌دهد؟

نکته قابل تامل این است که در نهایت، تصمیم ترامپ هر کدام از این موارد باشد، یک شکست دیگر در پرونده او در برابر ایران درج خواهد شد.

البته در این بین یک احتمال دیگر نیز مطرح شده؛ احتمالی که دیپروز پس از انتشار پست ترامپ در شبکه تروث توجه کارشناسان را به خود جلب کرد. ترامپ در این نوشته پس از آنکه مدعی شد تنگه هرمز همچنان باز است و طرح این ادعای مضحک که آمریکا اکنون کنترل تردد بر این تنگه را در اختیار دارد، در یک موضع‌گیری عجیب اعلام کرد از این پس کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز باید به خاطر تأمین امنیت عبور و مرور را از این تنگه به آمریکا عوارض پرداخت کنند. او در ادامه در یک اظهارنظر حیرت‌آور گفت میزان عوارض دریافتی از سوی آمریکا ۲۰ درصد ارزش محموله کشتی‌هاست. اگر چه اساس این موضع‌گیری؛ یعنی کنترل تنگه هرمز توسط آمریکا بی‌اساس و تنگه هرمز تحت کنترل ایران است اما اینکه ترامپ از عوارض ۲۰ درصدی سخن گفته، این فرضیه را مطرح کرده که سیاست ترامپ در قبال تنگه هرمز تغییر کرده است.

او اکنون برای درآمدزایی از تنگه هرمز در حال اختلال در تردد از این تنگه است. به عبارتی، او موضوع تنگه هرمز را یک موضوع برای کاسبی انگاشته است، لذا مانند سابق بازگشایی تنگه و عادی‌سازی جریان حمل و نقل نفت از تنگه هرمز خواسته او نیست.

بر اساس این فرضیه، دولت آمریکا اکنون با تشدید تنش در تنگه هرمز، تلاش می‌کند یک بار دیگر شانس خود را برای به دست آوردن کنترل این تنگه امتحان کند



کاهش مستمر ذخایر راهبردی نفت آمریکا تداوم آسیب‌پذیری انرژی واشنگتن

قیمت کالاهای وارداتی می‌شود. این پدیده که در ادبیات اقتصادی از آن با عنوان «تورم ناشی از فشار هزینه» یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاست‌های تعرفه‌ای است.

در چنین شرایطی دولت ترامپ تلاش می‌کند بخشی از فشار هزینه ناشی از تعرفه‌ها را از طریق کاهش قیمت انرژی جبران کند. نفت ارزان‌تر به معنای کاهش هزینه حمل‌ونقل، تولید صنعتی، کشاورزی و زنجیره تأمین است و می‌تواند بخشی از آتال تورمی تعرفه‌ها را خنثی کند.

اجرای چنین راهبردی اما مستلزم آن است که آمریکا در مواقع لزوم بتواند با اتکا به ذخایر راهبردی خود، بازار نفت را مدیریت کند. بنابراین کاهش مستمر این ذخایر نه تنها یک مساله انرژی است، بلکه تهدیدی برای موفقیت راهبرد اقتصادی ترامپ و نهایتاً سقوط او نیز محسوب می‌شود.

■ **استمرار کاهش ذخایر راهبردی؛ نشانه‌ای از تداوم فشار بازار**
با وجود کاهش نسبی تنش‌ها و شکل‌گیری فضای آتش‌بس، انتظار می‌رفت آمریکا از فرصت ایجادشده برای بازسازی ذخایر راهبردی خود استفاده کند. با این حال تداوم برداشت از این ذخایر نشان می‌دهد بازار جهانی نفت همچنان با محدودیت عرضه مواجه است و واشنگتن ناچار است برای تأمین نیاز بازار داخلی، از ظرفیت ذخایر استراتژیک استفاده کند.

این روند از منظر اقتصادی به معنای آن است که تعادل بازار هنوز شکننده است و کاهش قیمت نفت لزوماً به معنای رفع کامل مشکلات عرضه نیست. در بسیاری موارد قیمت اسمی نفت کاهش می‌یابد اما محدودیت ظرفیت پالایش، هزینه‌های حمل‌ونقل، حاشیه سود پالایشگاه‌ها و هزینه‌های توزیع موجب می‌شود قیمت فرآورده‌های نهایی با همان سرعت کاهش نیابد. ■ **چرا کاهش قیمت نفت الزاماً به کاهش قیمت بنزین در آمریکا منجر نمی‌شود؟**

یکی از نکات قابل توجه در شرایط کنونی آن است که با وجود افت قیمت جهانی نفت، قیمت بنزین و گازوئیل در آمریکا همچنان در سطح نسبتاً بالایی مانده است. این پدیده ناشی از عوامل متعددی از جمله محدودیت ظرفیت پالایشگاهی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، هزینه ذخیره‌سازی، مالیات‌های ایالتی و ساختار بازار فرآورده‌های نفتی است.

به همین دلیل حتی اگر قیمت نفت خام کاهش یابد، مصرف‌کنندگان آمریکایی الزاماً کاهش متناظری در قیمت سوخت مشاهده نمی‌کنند. در نتیجه، فشار معیشتی ناشی از قیمت بالای بنزین همچنان پابرجا می‌ماند و دولت برای کنترل بازار ناچار به استفاده بیشتر از ابزارهایی همچون ذخایر راهبردی می‌شود.

جمع‌بندی

ذخایر راهبردی نفت آمریکا یکی از مهم‌ترین ابزارهای امنیت اقتصادی، کنترل تورم و مدیریت بحران‌های انرژی این کشور محسوب می‌شود. استمرار کاهش این ذخایر، حتی در شرایط کاهش نسبی تنش‌های منطقه‌ای، نشان می‌دهد اعمال حکمرانی ایران در تنگه هرمز برای کنترل رفتار آمریکایی‌ها چقدر برای ایران قدرت‌آفرین است.

از سوی دیگر این نکته مهم است که کاهش ظرفیت SPR زمانی رخ می‌دهد که دولت ترامپ راهبرد اقتصادی خود را بر توسعه جنگ تعرفه‌ای و کاهش هزینه انرژی بنا کرده است. در چنین شرایطی، کوچک شدن ذخایر راهبردی می‌تواند دولت را برای مقابله با شوک‌های احتمالی آینده کاهش داده و مدیریت تورم، قیمت سوخت و ثبات اقتصادی را دشوارتر کند. همچنین با توجه به حساسیت بالای افکار عمومی آمریکا نسبت به قیمت بنزین و گازوئیل، هر گونه محدودیت در استفاده از آنها می‌تواند علاوه بر پیامدهای اقتصادی، هزینه‌های سیاسی قابل توجهی نیز برای دولت آمریکا و شخص ترامپ به همراه داشته باشد و این فرصت فوق‌العاده‌ای را برای ایران فراهم کرده است تا با ابزار اعمال حکمرانی بر تنگه هرمز، اهرم فشار در آمریکا را حفظ و تثبیت کند.

تسا در این حالت اقدام به دریافت یک عوارض سنگین از کشتی‌های عبوری کند.

این فرضیه ترامپ یک پلن B هم دارد؛ از آنجا که طبق پیش‌بینی اکثر کارشناسان، آمریکا همانند جنگ ۴۰ روزه امکان بازگشایی تنگه هرمز از طریق نظامی و به دست آوردن کنترل این تنگه را ندارد، ترامپ تلاش می‌کند به بهانه محاصره دریایی ایران، یک مانع بر سر راه تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز ایجاد و از این طریق هدف خود مبنی بر اخذ عوارض از کشتی‌ها را دنبال و محقق کند.

به عبارتی او تلاش می‌کند از هر طریقی که شده، رفع محاصره دریایی را به اخذ عوارض از کشتی‌ها مرتبط کند. این تمایل و خواسته را ترامپ پیش از این نیز در قالب ادبیات دیگری مطرح کرده بود. او پس از توقف جنگ، در چند نوبت اعلام کرد تمایل دارد در درآمد حاصل از تأمین امنیت و ارائه خدمات در تنگه هرمز با ایران شریک شود.

به هر حال اکنون تقریباً عمده بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای متوجه شدند عامل اصلی ناامنی و اختلال تردد در تنگه هرمز، دولت آمریکاست و نه ایران. ایران نیز در جنگ ۴۰ روزه نشان داد هم توانایی بستن تنگه هرمز را دارد و از آن مهم‌تر، قدرت حفظ تسلط بر این آبراه استراتژیک را داراست در مذاکرات منتهی به تفاهمنامه خاتمه جنگ نیز جمهوری اسلامی ایران نشان داد آنچه در جنگ به دست

آورده را پشت میز مذاکره از دست نخواهد داد. اکنون نیز رفتار و مواضع جمهوری اسلامی به‌روشنی

نشان می‌دهد از نظر تهران، تنگه هرمز اهرم و برگ برنده ایران است و ترامپ هر سیاسیانی را علیه ایران در پیش بگیرد، نهایتاً این جمهوری اسلامی ایران است که تصمیم نهایی را درباره وضعیت تنگه هرمز اتخاذ خواهد کرد.